بسم الله الرحمن الرحیم

مسجد محور وحدت در جهان اسلام

انگیزه سازی

در زمان حکومت عثمانی که حکومتی مقتدر و مهم در عرصه سیاسی جهان بوده و دولت‌های استعمارگر غربی و خصوصاً انگلیسی‌ها می‎خواسته‌اند تا آن را متلاشی کنند، در شهر تهران و در کنار سفارت عثمانی[[1]](#footnote-1)، مسجد کوچکی بوده که بعضی کارکنان سفارت که سنی مذهب بوده‌اند، هر روز در آن مسجد نماز می‎خوانده‌اند. در این مسجد یک روضه‌خوان هر روز صبح روضه حضرت زهرا (سلام الله علیها) و اینکه خلیفه دوم در را به پهلوی ایشان زد و باقی ماجرا را می‎خواند.

یک کسی می‎گوید من گفتم اینکه این فرد هر روز این روضه‌ی اختلاف برانگیز را در اینجا می‎خواند، یک چیزی باید باشد. آمدم و به او گفتم شما روضه دیگری بلد نیستید بخوانید که هر روز صبح این روضه را می‎خوانید؟ گفت: چرا. گفتم: پس چرا هر روز این روضه را می‎خوانی؟

گفت: من یک بانی دارم که روزی پنج ریال به من می‎دهد و می‎گوید این روضه را در این مسجد بخوان، من هم می‎خوانم. گفتم: می‎شود این بانی را به من معرفی کنی؟ گفت: بله، یک دکاندار در همین خیابان است.

آن شخص می‎رود با آن دکاندار رفاقت می‎کند، بعد می‎گوید: شما چطور شده که می‎گویی هر روز در این مسجد روضه حضرت زهرا (سلام الله علیها) بخوانند؟

می‎گوید: یک کسی روزی دو تومان به من می‎دهد که در این مسجد روضه حضرت زهرا (سلام الله علیها) خوانده شود، من پانزده ریال آن را برمی‌دارم و پنج ریال را می‎دهم به این روضه‌خوان تا روضه بخواند. بعد تعقیب می‎کند تا ببیند که بانی اصلی این روضه چه کسی است، نهایتاً معلوم می‎شود که روزی بیست و پنج تومان از سفارت انگلیس می‎دهند که صبح‌ها روضه حضرت زهرا (سلام الله علیها) در این مسجد که در کنار سفارت عثمانی است خوانده شود و بازار جنگ شیعه و سنی و کشمکش و نزاع میان حکومت ایران و عثمانی هر روز گرم باشد. از این بیست و پنج تومان فقط پنج ریال به این روضه‌خوان بیچاره می‌رسیده و او هم ندانسته مواجب‌بگیر انگلیس شده بوده.[[2]](#footnote-2)

اقناع اندیشه

خداوند متعال در سوره آل عمران، خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

قُلْ يا أَهْلَ الْكِتابِ تَعالَوْا إِلى‏ كَلِمَةٍ سَواءٍ بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمْ أَلاَّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللَّهَ وَ لا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَ لا يَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ[[3]](#footnote-3)

بگو: «اى اهل كتاب! بياييد به سوى سخنى كه ميان ما و شما يكسان است كه جز خداوند يگانه را نپرستيم و چيزى را همتاى او قرار ندهيم و بعضى از ما، بعضى ديگر را، غير از خداى يگانه، به خدايى نپذيرد.»

همانطور که در این آیه از قرآن، دیده می‌شود، خداوند متعال دستور به ایجاد همگرایی و اجتماع بر روی اصول مشترک با دیگر پیروان ادیان توحیدی می‌فرماید تا از طریق همین مشترکات اعتقادی، پلی برای ارتباط و پیوند با آنان ایجاد کرده و مقدمات هدایت آنها را فراهم آورد.

با نگاهی کوتاه به سیره و شیوه‌ی نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) نیز به وضوح مشخص می‌شود که شیوه‌ی جذب و دعوت مردم به سوی حق و آئین الهی، بیش از هر جیز بر روی اخلاق نیکو و پسندیده استوار بوده و پس از جذب اولیه با اخلاق، از طریق استدلال‌های محکم و منطقی و شواهد انکار ناپذیر، عقل مردم را به سوی حق رهنمون می‌شدند.

خداوند متعال نیز در تأیید این شیوه، در قرآن کریم می‌فرماید:

فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَليظَ الْقَلْبِ لاَنْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ[[4]](#footnote-4)

(پس به بركتِ رحمتى از جانب خداوند با آنها (امت خود) نرم‌خو شدى، و اگر بد خلق و سخت‌دل بودى حتماً از اطرافت پراكنده مى‏شدند.)

بنابراین در شرایطی که شیوه‌ی دین اسلام، همگرایی و جذب حداکثری درمورد پیروان سایر ادیان آسمانی‌ می‌باشد، قطعاً در ارتباط با دیگر مسلمانان، حال از هر مذهبی که باشند، برنامه‌ی اصلی و اولی در ارتباط با آنها، تأکید بر مشترکات اعتقادی و زندگی مسالمت‌آمیز و دعوت به مذهب حق از طریق محاسن اخلاقی و بیان علمی متقن و متین می‌باشد.

مساجد به عنوان منطقه‌ای بی‌طرف و مکانی مخصوص به خداوند و آماده برای ذکر و عبادت و تفکر و جهل‌زدایی، باید با برنامه‌ریزی و تبلیغ مناسب، به عنوان مکانی برای همدلی و همراهی تمام مسلمانان در جهان اسلام شده و با نادیده گرفتن مرزهای جغرافیایی و سیاسی، با مساجد دیگر در جهان اسلام به تبادل فرهنگ و اندیشه بپردازند، تا از طریق این مکان فرهنگی و الهی، تعصبات و نفرت‌ها و کینه‌ها به مرور برطرف شده و نور علم و ایمان حقیقی در دل‌های مؤمنین و افراد حقیقت‌جو بتابد.

اما متأسفانه در طول قرن اخیر، دولت‌های استعمارگر با استفاده از حیله‌های ناجوانمردانه و القای دوگانگی و جنگ و نفرت میان فرقه‌ها و طوایف مختلف مسلمانان، دائماً در صدد درگیر کردن امت اسلامی با یکدیگر بوده و هستند. در این میان عده‌ای از مسلمانان به صورت خواسته یا ناخواسته در این دام افتاده و مشغول اجرای نقشه‌ی کفار در میان صفوف مسلمانان شده‌اند.

پیدایش فرقه‌های بهاییت در میان شیعیان و وهابیت در میان اهل تسنن، نمونه‌ای واضح از این ترفند انگلیسی می‌باشد که با عنوان «تفرقه بینداز و حکومت کن» معروف شده است.

با نگاهی کوتاه به اسناد معتبر تاریخی در زمینه‌ی قدرت گرفتن گروه‌های وهابی و بهایی، به خوبی روشن می‌شود که دشمنان خبیث اسلام، در نتیجه مشاهده قدرت روزافزون جهان اسلام و ترس از تسلط این اندیشه‌ی الهی بر مردم سراسر دنیا، ابتدا با ایجاد جنگ‌های صلیبی سعی در مقابله با امت اسلامی داشته و تلاشی طولانی مدت را رقم زدند، اما پس از آنکه در نهایت از جنگِ مستقیم، نتیجه مطلوبی عایدشان نگشت، با متوسل شدن به حیله‌های جدید، بر روی ایجاد اختلاف و فساد در میان مسلمانان سرمایه‌گذاری نمودند و از همین طریق توانستند پس از سال‌ها تلاش، حکومت‌هایی با عقاید انحرافی و تکفیرگرایانه در بخشی از جهان اسلام مسلط نمایند.

از شواهد مفصل و مدارک قطعی که از زمان حکومت پهلوی به دست آمده، واضح است که برنامه‌ی دولت‌های غربی بر آن بوده است تا همانطور که در بعضی کشورهای عربی، حکومت‌هایی با مسلک وهابیت ایجاد کرده‌اند، حکومت ایران را نیز به صورت غیر مستقیم یا مستقیم، در اختیار بهاییان قرار دهند و از این طریق آتش نفرت و اختلافات داخلی میان مسلمانان را روز به روز داغ‌تر نمایند.

در مقابل این توطئه‌های دشمنان اسلام، که قصد نابودی تمام فرقه‌ها و مذاهب اسلامی را در سر می‌پرورانند، هوشیاری و بصیرت بسیاری از علما و مراجع جهان اسلام، سبب خنثی سازی بخشی از نقشه‌های دشمنان شده و سبب ایجاد آرامش و وحدت نسبی در میان جوامع اسلامی گردیده است.

به عنوان نمونه می‌توان به تلاش‌های سید جمال الدین اسد آبادی در جهت اتحاد هرچه بیشتر جهان اسلام و ایجاد امّت واحد اسلامی اشاره کرد.

یکی از راهکارهای اساسی و جدی ایشان در جهت همبستگی اسلامی، که عملاً تلاش بسیاری از طرف شخص او برای تحقق آن صرف شد، طرح ائتلاف و تقریب دولت‌های مسلمان بود. او تمام عمرش را در این زمینه وقف کرده بود: مقاله می‌نوشت، سخنرانی می‌کرد، دیگران را به نوشتن مقالات و سخنرانی وا می‌داشت، با افراد مؤثر و صاحب نفوذ همچون علما و سران کشورهای اسلامی گفت‌وگو می‌کرد، همه را هشدار می‌داد و آنان را برای اتحاد دول اسلامی آماده می‌ساخت. او در این زمینه به اتحاد دو دولت ایران و افغانستان بسیار دل بسته بود و همواره برای ائتلاف و همبستگی این دو کشور می‌کوشید.[[5]](#footnote-5)

طرح کلی‌تر سید جمال الدین، برنامه اتحاد و ائتلاف هندوستان، بلوچستان، افغانستان، ترکمنستان، بخارا و غیره تحت لوای اسلام و خلافت عثمانی بود که در سال 1302 شمسی طی نامه مفصّلی به دربار خلافت عثمانی فرستاده شد و خود عهده‌دار انجام این طرح گردید.[[6]](#footnote-6)

البته سلطان عبدالحمید، خلیفه عثمانی، ابتدا از این طرح حمایت کرد و سید را به دربار فرا خواند و سید نیز به استانبول شتافت و به عملیاتی‌سازی طرح کلان خود پرداخت و با استفاده از موقعیت به دست آمده، نامه‌هایی به زبان‌های گوناگون، از سوی سلطان و با مهر و امضای وی، برای اُمرا و حاکمان کشورهای اسلامی فرستاد.[[7]](#footnote-7)

اما روابط گرم سلطان و سید جمال الدین طولی نکشید و توطئه درباریان و دسیسه‌های انگلیسی شروع شد. بالاخره توطئه‌ها و دسیسه‌ها کار را به جایی رساند که خلیفه عثمانی به سید مظنون شده و اعمال و رفتار او را به شدت تحت کنترل قرار داد.[[8]](#footnote-8)

اگر چه سید جمال الدین، در اجرای تمام طرح‌هایش به موفقیت کامل دست نیافت و همه راهکارهای وی عملی نگردید، ولی می‌توان گفت حرکت او و گام‌های بسیار مؤثر وی، سه نتیجه روشن و قابل توجه را برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد:

1. باعث تقویت روح اتحاد و اخوت مسلمانان جهان اسلام گردید؛
2. موجب رشد و شکوفایی حرکت‌ها و جنبش‌های طرفدار اتحاد اسلامی شد؛
3. از همه مهم‌تر آنکه پیروانی برجسته در این مسیر پیدا کرد. در میان بزرگان اهل تسنن کسانی چون کواکبی، رؤسای الازهر، شیخ عبدالقادر مغربی، امیر شکیب ارسلان، شیخ حسین جسر، مولانا ابوالکلام آزاد، اقبال لاهوری و از سوی دیگر بسیاری از علمای بزرگ شیعه در عراق و ایران که هر یک طلایه‌دار اتحاد اسلامی شدند و راه و آرمان سید را پس از وی دنبال کردند.[[9]](#footnote-9)

امام خمینی (رحمة الله علیه) نیز بارها با تکیه و تمسک به وجوه مشترک، در جهت ایجاد وحدت بین مسلمانان و حتی غیرمسلمانان، همه را دعوت به وحدت می‌کردند.

ایشان به مناسبت میلاد حضرت مسیح (علیه السلام) و در پیامی به مسیحیان، آنها را به طرفداری مظلومان و مستضعفان و برقراری عدل و رحمت و دوری و بیزاری از ظالمان و ستمکاران که مشترکات آموزه‌های دین اسلام و دین مسیحیت است، فرا خواندند. همچنین در دیدار با کلیمیان و زرتشتیان و مسیحیان ایران، با استناد به رسالت انبیای الهی در نفی ظلم و رفع تبعیض و بر افراشتن پرچم توحید و عدالت و تهذیب اخلاق مردم، آنها را به این مشترکات دعوت نمودند.

از جمله راهکارهای مهم امام خمینی (رحمة الله علیه) در مسیر ایجاد همبستگی و اتحاد امت اسلامی، پرهیز از پرداختن به امور تفرقه افکن است. ایشان همواره به مصالح امت اسلامی توجه کرده و از حرکاتی که فایده‌ای جز ایجاد تفرقه در صفوف مسلمانان نداشت به شدت پرهیز می‌نمودند.

یکی از اموری که برخی عوامل تفرقه‌افکن خارجی در جوامع اسلامی به آن دامن زده و عده‌ای از بی‌خبران داخلی نیز آن را تکرار می‌کنند، جار و جنجال و جدل‌های بی‌حاصل بر روی مسئله خلافت و ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) است. امام خمینی (رحمة الله علیه) در یکی از سخنانشان می‌فرمایند: «امروز سر خلافت امیرالمومنین (علیه السلام) اختلاف کردن، خیانت به اسلام است.»[[10]](#footnote-10)

گرچه بحث علمی و ارائه مستندات تاریخی، به دور از ایجاد تنش و اختلاف، قطعاً لازم و ضروری می‌باشد، همانطور که مرحوم امام خمینی نیز از کتاب الغدیر علامه امینی تجلیل و دفاع کرده‌اند، اما مشاجره‌های بی‌حاصل در میان عوام، جز ایجاد تعصب و کینه، حاصلی نخواهد داشت.

همچنین در پیام‌هایی که امام خمینی (رحمة الله علیه) برای حجاج ایرانی می‌فرستند، آمده است:

«لازم است برادران ایرانی و شیعیانِ سایر کشورها از اعمال جاهلانه که موجب تفرقه صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعت در منازل و گذاشتن بلندگوهایی مخالف رویه اجتناب نمایند.»[[11]](#footnote-11)

البته امام خمینی (رحمة الله علیه) با استفاده از تجربیات سید جمال الدین، برای ایجاد وحدت در جامعه اسلامی، دست به دامن هیچ‌یک از حکومت‌های وقت نشد، بلکه در ابتکاری کم‌نظیر، حکومت ظالم زمان خود را با استعانت از خداوند متعال و هدایت صحیح مردم، سرنگون ساخته و با استفاده عملی از تئوری «ولایت فقیه»، حکومتی اسلامی در کشور ایران تأسیس کردند که در سایه رهبری واحد و برقراری عدالت، سعی در ایجاد همگرایی و وحدت هرچه بیشتر در میان مسلمانان ایران و جهان داشت.

پرورش احساس

در ادامه فتنه‌انگیزی‌های دشمنان اسلام، و در ادامه‌ی برنامه تفرقه‌افکنی در میان مذاهب اسلامی، پس از شکست فرقه‌ی بهاییت در ایران، امروزه دولت‌های غربی دست به دامن افراد منحرف یا فریب خورده‌ی جدیدی شده‌اند که با حرف‌هایی جدید، همان اهداف سابقِ آمریکا و انگلیس را در جهان اسلام دنبال می‌کنند.

امام خامنه‌ای درباره‌ی این حرکت جدید فرموده‌اند:

«امروز، هم در بین اهل سنّت، هم در بین شیعه، دست‌هایی در کار است برای اینکه اینها را از هم جدا کند؛ همه‌ی این دست‌ها هم اگر جستجو کردید، می‌رسد به مراکز جاسوسی و اطّلاعاتی دشمنان اسلام؛ نه دشمنان ایران، نه دشمنان شیعه فقط؛ دشمنان اسلام. آن تشیّعی که ارتباط به MI6 انگلیس داشته باشد، آن تسنّنی که مزدور CIA آمریکا باشد، نه آن شیعه است، نه آن سنّی است؛ هر دو ضدّ اسلامند.»[[12]](#footnote-12)

افرادی که در استدلالی سخیف می‌گویند: چون پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) با منافقین زمان خودشان جنگ و مبارزه‌ای نداشته‌اند، بنابراین نباید در مقابل منافقین و امثال مسعود رجوی‌ها موضع و جبهه گرفت.

آیا این افراد فرق میان اکثر منافقین زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که هنوز نفاق خود را آشکار نکرده بودند، با منافقینی که در زمان ما بیش از هفده هزار نفر از مردم مؤمن کوچه و بازار را به شهادت رسانده و حکم محارب پیدا کرده‌اند را نمی‌دانند؟ آیا تاریخ جنگ‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) با منافقینی که در زمان ایشان نقاب از چهره برگرفتند، نخوانده‌اند؟ آیا آیه‌ای صریح که در دو جای از قرآن دستور به جهاد با منافقین می‌دهد نخوانده‌اند؟

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ جاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصيرُ[[13]](#footnote-13)

(اى پيامبر! با كافران و منافقان جهاد كن، و بر آنها سخت بگير! جايگاهشان جهنم است و چه بد سرنوشتى دارند!)

آیا کسانی که در لعن و دشنام دادن به صورت علنی به مقدسات دیگر مذاهب جدیت نشان داده و با برگزاری مراسماتی چون هفته برائت، سبب تحریک مذاهب اسلامی بر ضد یکدیگر می‌شوند، این آیه از قرآن را نخوانده‌اند که می‌فرماید:

وَ لا تَسُبُّوا الَّذينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْواً بِغَيْرِ عِلْمٍ[[14]](#footnote-14)

و (به معبود) كسانى كه غير خدا را مى‏خوانند دشنام ندهيد، مبادا آنها (نيز) از روى (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند.

آیا کسانی که به برخی مراجع و علمای بزرگ شیعه، همچون آیت الله بهجت، امام خمینی و امام خامنه‌ای دشمنام داده و علناً آنها را تکفیر می‌نمایند، فکر نمی‌کنند که در مسیری مشابه مسیر مفتی‌های تندروی وهابی قدم گذاشته‌اند؟

آیا کسانی که در برابر بسیاری از جنایات داعش بر ضد مردم سوریه و عراق، و جنایات عربستان در یمن سکوت می‌نمایند، و حتی بدتر از آن، گاهی از ظالم اعلام حمایت می‌کنند، خود را اهل پیروی از مسلک أمیرالمؤمنین می‌دانند؟ در حالی که أمیر المؤمنین (علیه السلام) با شنیدن اینکه گروهی از سربازان معاویه، خلخال از پای زنی یهودی در مملکت اسلامی بیرون آورده‌اند، آنگونه برآشفته و سخنانی آتشین ایراد کردند.

پس مؤمنین و مسلمانان در همه جای دنیای اسلام باید بیدار بوده و از سخنانی که بوی اتهام‌زنی و توهین نسبت به برادران دینی در آن به مشام می‌رسد، جلوگیری کرده و با بصیرتِ خود، جلوی این فتنه‌ی جدید دشمنان اسلام را بگیرند.

رفتارسازی

بی‌شک اتحاد کامل و واقعی در دنیای اسلام، با شرایط فعلی و با نفوذ اندیشه‌ی تکفیر و تأثیر تعصبات قومی و مذهبی و منطقه‌ای در عقاید و افکار ملل مسلمان، قابل تصور نمی‌باشد و تنها پس از یک انقلاب سیاسی و فرهنگی عظیم و وسیع در سطح جهان اسلام می‌توان امید واقعی به چنین اتحادی داشت.

اما آنچه مسلم است، این نکته می‌باشد که مقدمه‌ی تمام تحولات عظیم سیاسی و فرهنگی، از کارهای کوچک و خالص در سطح جوامع آغاز شده و سپس با توفیق الهی، گسترش یافته است.

بنابراین اهتمام عموم مردم مسلمان به حفظ وحدت و ایجاد یک‌دلی و همراهی در امور مهم جامعه و علی الخصوص اموری مانند مسأله فلسطین که از مشترکات دنیای اسلام محسوب می‌شود، می‌تواند با استفاده از محوریت مکانی اسلامی و الهی به مانند مسجد و با جذب حداکثری در میان برادران مسلمان، در نهایت منجر به ایجاد موج جدیدی از بیداری اسلامی شده و دولت‌های دست‌نشانده از ناحیه‌ی آمریکا و انگلیس را در سراسر جهان اسلام سرنگون سازد و از این طریق، مقدمه‌ای برای اقتدار روز افزون اسلام و مسلمین در سطح جهان فراهم آورد. انشاء الله.

1. کشوری متشکل از ترکیه، عراق، سوریه، اردن، فلسطین، مصر، لیبی و برخی کشورهای دیگر اسلامی امروزی که تمام این قلمرو تحت حکومت ترک‌های اهل تسنن قرار داشته است. [↑](#footnote-ref-1)
2. خاطرات آيت الله منتظري، جلد 1، صفحه 82 (با اندکی تصرف) [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره آل عمران، آیه 64 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره آل عمران، آیه 159 [↑](#footnote-ref-4)
5. سید جمال الدین، العروة الوثقی، ص 106 تا 110 [↑](#footnote-ref-5)
6. محیط طباطبایی، نقش سید جمال الدین در بیداری مشرق زمین، ص 272 تا 280 [↑](#footnote-ref-6)
7. سید قاسم رشتیا، سید جمال الدین افغانی و افغانستان، انتشارات بیهقی، ص 99 [↑](#footnote-ref-7)
8. سید قاسم رشتیا، سید جمال الدین افغانی و افغانستان، انتشارات بیهقی، ص 105 [↑](#footnote-ref-8)
9. محیط طباطبایی، نقش سید جمال الدین در بیداری مشرق زمین، ص 93 تا 128 [↑](#footnote-ref-9)
10. صحیفه امام، ج 8، ص 481، بیانات در تاریخ 15/4/1358 [↑](#footnote-ref-10)
11. صحیفه امام، ج 10، ص 61، پیام در تاریخ 29/6/1358 [↑](#footnote-ref-11)
12. ### بیانات در بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللى وحدت اسلامی، 19/10/1393

    [↑](#footnote-ref-12)
13. سوره توبه، آیه 73، سوره تحریم، آیه 9 [↑](#footnote-ref-13)
14. سوره انعام، آیه 108 [↑](#footnote-ref-14)